



Mobilization of Resources and Facilities in the Management of Imam Hussein (AS) from the Perspective of the Quran*

Seyyed Ali Asghar Alavi*

Abstract

Mobilization of resources and facilities is one of the important and strategic duties of managers in all organizations. In the managerial conduct of Imam Hussein (AS), this concept holds a special position, and its roots can be identified in the teachings of the Holy Quran. This research, aimed at analyzing the Quranic concept of mobilizing resources and facilities in the management of Imam Hussein (AS), has been conducted using an ijthadi-analytical method, with data collected from documentary and library sources. In the first step, the role of mobilizing resources and facilities as one of the main duties of management is examined, and then the Imam's method in utilizing and directing these resources is analyzed. Subsequently, the Quranic foundations of this approach are elucidated. The findings indicate that realizing this matter requires attention to the principles of "enjoining what is right" and "enjoining patience"; a concept that is vividly manifested in Imam Hussein's (AS) behavior toward his companions in the most difficult moments. The phrase "ṣabrā banī al-kirām" reflects the Imam's dignified view toward his companions—a view rooted in the exalted Quranic teachings on honoring and motivating human resources. This research also states that Husseini management provides an inspiring model for today's managers; a model in which the proper utilization of capabilities, respect for human resources, and cohesion of material and spiritual resources hold a fundamental position. The ultimate outcome of this study is to present a novel approach to understanding the Ashura uprising and its application in Islamic management, particularly in the field of mobilization and guidance of resources.

Keywords: Quran and Imam Hussein, Quran and Management, Mobilization of Resources and Facilities, Ashura Management, Islamic Management.

*. Received: ۰۳/۰۱/۱۴۰۴ SH (۲۳/۰۳/۲۰۲۵ CE) and Accepted: ۱۲/۰۴/۱۴۰۴ SH (۰۳/۰۷/۲۰۲۵ CE).

*. PhD Graduate in Quran and Sciences, Management Orientation, Higher Institute of Quran and Hadith, Al-Mustafa International University, modirekarbala۳۱۳@chmail.ir



بسیج منابع و امکانات در مدیریت امام حسین (ع) از منظر قرآن*

سید علی اصغر علوی*

چکیده

بسیج منابع و امکانات یکی از وظایف مهم و راهبردی مدیران در تمامی سازمان‌ها است. در سیره مدیریتی امام حسین (ع) نیز این مفهوم جایگاهی ویژه دارد و ریشه‌های آن در آموزه‌های قرآن کریم قابل شناسایی است. این پژوهش با هدف تحلیل قرآنی مفهوم بسیج منابع و امکانات در مدیریت امام حسین (ع)، با روش اجتهادی - تحلیلی انجام شده و اطلاعات آن از طریق منابع اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در گام نخست، نقش بسیج منابع و امکانات به عنوان یکی از وظایف اصلی مدیریت بررسی شده و سپس شیوه امام حسین (ع) در به کارگیری و جهت‌دهی این منابع تحلیل گردیده است. در ادامه، مبانی قرآنی این رویکرد تبیین شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تحقق این امر نیازمند توجه به اصل «تواصی به حق» و «تواصی به صبر» است؛ مفهومی که در رفتار امام حسین (ع) با یاران خویش در سخت‌ترین لحظات جلوه‌ای روشن دارد. تعبیر «صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ» نشان‌دهنده نگاه کرامت‌مدار امام به اصحاب است؛ نگاهی که خود ریشه در آموزه‌های بلند قرآن درباره تکریم انگیزش منابع انسانی دارد. این پژوهش همچنین بیان می‌کند که مدیریت حسینی، الگویی الهام‌بخش برای مدیران امروز ارائه می‌دهد؛ الگویی که در آن بهره‌برداری درست از توانمندی‌ها، احترام به نیروی انسانی، و انسجام‌بخشی به منابع مادی و معنوی جایگاه اساسی دارد. دستاورد نهایی این مطالعه، ارائه رویکردی نو در فهم نهضت عاشورا و کاربرد آن در مدیریت اسلامی، به ویژه در عرصه بسیج و هدایت منابع است.

واژگان کلیدی: قرآن و امام حسین، قرآن و مدیریت، بسیج منابع و امکانات، مدیریت عاشورایی، مدیریت اسلامی

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۴/۱۲
*. دکتری قرآن و علوم، گرایش مدیریت، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه،

modirekarbala313@chmail.ir



مقدمه

نیروی انسانی با ارزش ترین و گران بها ترین سرمایه سازمان برای شکوفاسازی استعدادها و دست یابی مستمر به عمل کرد عالی محسوب می شود (رضائیان، ۱۳۸۰، ۳۹۱). امروزه منابع انسانی به عنوان بهترین سرمایه مطرح است و نگاه هزینه ای به منابع انسانی در حال از بین رفتن است (قلی پور، ۱۳۹۰، ۱۰). کارفرمایان پیش رو، در مواجهه با فشارهای محیط رقابتی جدید، می کوشند تا جایی که امکان دارد استعداد نیروهای انسانی خود را به طور کامل شکوفا سازند. بازتاب این تلاش در شعارهایی مانند «نیروی انسانی مهم ترین سرمایه سازمان است» و «کارکنان ما مهم ترین وجه تمایز این سازمان از سایر سازمان ها به شمار می آیند» ملاحظه می شود (رضائیان، ۱۳۸۰، ۳۹۱). «مدیریت منابع انسانی» اصطلاحی است برای توصیف گستره ای از فعالیت های متنوع، شامل جذب، نگهداری و پرورش نیروی کار با استعداد و پرانرژی. نقش مدیریت منابع انسانی نخست، تشخیص استعدادهای بالقوه نیروهای شاغل در سازمان و سپس فراهم آوردن امکاناتی برای شکوفایی آنها است (سعادت، ۱۳۸۰، ۲). توجه به این مطلب نیز حائز اهمیت است که حوزه امکان و تحقق مجموعه پدیده های زندگی انسان یک قلمرو گسترده و بی نهایت نیست و پیداست که امر مدیریت نیز مقوله ای جدا از این واقعیت نمی تواند باشد. همین مسئله مدیر را با وظیفه ویژه ای روبه رو می سازد که اساس آن این پرسش است: چگونه می توان با توجه به محدودیت های موجود، (مانند منابع مالی، منابع انسانی، زمانی، اطلاعاتی، فناوری و زیرساختی، قانونی و حقوقی، فرهنگی اجتماعی و مانند آن) منابع را در بازدهی نهایی شدن به کار گرفت؟ این پرسش مدیر را بر آن می دارد که با توجه به نقش سازمان در جامعه و محدودیت های گوناگون درون سازمانی و برون سازمانی، چگونگی بسیج منابع و امکانات را مورد مطالعه قرار دارد (رضائیان، ۱۳۸۳، ۲۰۱). در این راستا این مقاله ابتدا به تبیین مفهوم «بسیج منابع و امکانات» و معنای آن پرداخته تا زمینه فهم دقیق تر مبانی معرفتی



پژوهش فراهم گردد، سپس سیره مدیریتی امام حسین (علیه السلام) را در بسیج منابع و امکانات بیان می نماید. محور اصلی این پژوهش، تبیین سیره مدیریتی امام حسین (علیه السلام) در بسیج منابع و امکانات است: از شنا سایی و تخصیص منابع تا الگوی رفتار مدیریتی در مواجهه با بحران ها و بررسی این فرایند. در ادامه مستندات قرآنی بسیج منابع و امکانات حضرت در قرآن مورد بررسی قرار می گیرد تا پیوست قرآنی این رویکرد روشن گردد.

پیشینه تحقیق

پژوهش های متعددی در حوزه امام حسین (علیه السلام) انجام شده است، اما به نظر می رسد کمتر به سیره مدیریتی آن حضرت، به ویژه بر اساس مبانی قرآنی، توجه شده است. بنابراین، این مقاله در صدد است به موضوع بسیج منابع و امکانات، که یکی از وظایف مدیریت است، به عنوان یک مسئله مهم در سیره حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) بپردازد. در زمینه رابطه میان «قرآن و امام حسین (علیه السلام)» نیز پژوهش های فراوانی انجام گرفته است، مانند:

مبانی قرآنی قیام امام حسین (پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۵)، سیاست باقراف، دانشکده مدرسه فقه و معارف اسلامی.

مبانی قرآنی و روایی قیام امام حسین با تأکید بر روایات آن حضرت (پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۶)، فاطمه به نژاد، دانشکده اصول دین تهران.

الهام گیری سیدالشهدا از قرآن در نهضت عاشورا (پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۸)، فرزانه محی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه قم.

تجلی قرآن در ارزشهای حاکم بر قیام عاشورا (پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۹)، بلال منتظری زیوه، دانشکده اصول دین تهران.



تجلی آموزه‌های قرآن در سیره امام حسین با تاکید بر واقعه عاشورا (پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۹)، عبدالحسین جلالوند، دانشکده الهیات دانشگاه بین المللی امام خمینی.

تجلی قرآن در رفتار و گفتار امام حسین (پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۰)، سمیه سلیمی بنی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه معارف قرآن و عترت.

نگاهی قرآنی به نهضت عاشورا (پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۲)، رضا حسن نتاج، دانشکده علوم حدیث.

بررسی سخنان امام حسین ع قبل از قیام عاشورا و تطبیق آن با آیات قرآن (پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۴)، مهناز قیانچیان، دانشکده اصول الدین شعبه دزفول.

از نکات قابل توجه در کارهای پیشین، تمرکز بر حرکت امام حسین (ع) از منظر قرآن و توجه به مبانی و جلوه‌های آن است. اما همانگونه که مشاهده می‌شود، در پژوهش‌های قبلی، کمتر به سیره مدیریتی حضرت اباعبدالله الحسین (ع) پرداخته شده است، به ویژه با استناد به مبانی قرآنی. بنابراین، این پژوهش بر آن است که این خلأ را جبران کند و با مراجعه به آیات وحیانی قرآن کریم و بهره‌گیری از مفاهیم مدیریت، الگویی برای بسیج منابع و امکانات امام حسین (ع) ارائه دهد. هدف این است که بستر مناسبی برای چنین نوعی از تحقیقات فراهم سازد و فهم عمیق تری از سیره مدیریتی آن حضرت، بر پایه مبانی قرآنی، ارائه کند.

درباره نسبت «امام حسین و مدیریت» نیز پژوهشهای مختلفی صورت گرفته است. مانند:

طراحی الگوی رهبری با الهام از گفتگوهای امام حسین در مسیر کربلا (پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۱)، سید علی اصغر علوی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق.



بررسی و مطالعه مولفه مدیریتی انگیزش در قیام امام حسین و ابعاد آن (محرور مطالعه: انگیزش در واقعه کربلا) (پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۳)، فاطمه خنیفر، دانشکده اصول دین تهران.

تبیین دلالت های حماسه حسینی در رشد سرمایه انسانی (پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۵)، سید حسین خاکسار، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق. این دسته دوم از پژوهشها نیز بیشتر به ارتباط مسائل مدیریتی از منظر موضوعات عاشورایی و شخصیت امام حسین دارند.

به طور خلاصه، در یک نگاه کلی می توان بیان داشت که پژوهش های موجود، چه در حوزه امام حسین و عاشورا و چه در زمینه قرآن، کمتر به مسائل مدیریتی پرداخته اند؛ و در صورت وجود، آثار مصداقی ای که وظایف مدیریت را بر پایه سیره مدیریتی امام حسین و با استناد به آیات قرآن تبیین کند، یافت نشده است. بنابراین، پژوهش حاضر با درک اهمیت و نیاز موجود و تأکید بر کاربردی بودن موضوع، به تحلیل و بررسی بسیج منابع و امکانات امام حسین (ع) در جریان عاشورا، با استناد به داده های وحیانی قرآن کریم، اقدام نموده است.

روش پژوهش

روش تحقیق این مقاله، روش اجتهادی (تحلیلی استنباطی) است. در حوزه علوم اسلامی به هر تلاش در حوزه فهم مفاهیم دینی از متون گوناگون «اجتهاد» گفته می شود و مفهوم آن در لغت منتهای تلاش و کوشش و جد و جهد در یافتن حقایق است. (طریحی، ۱۳۶۲، ۳، ۳۳) مقصود از این لغت در اصطلاح اسلامی، بذل جهد و کوشش برای استنباط احکام شرعی فرعی از منابع فقه اسلامی است. (آخوند خراسانی، ۱۴۳۱، ۴۶۳) به تعبیر دیگر تلاش برای یافتن دلیل و حجت بر احکام شرعی را اجتهاد گویند. (خویی، بی تا، ۱، ۱۰)



در این روش بر اساس منابع چهارگانه (قرآن، سنت، عقل و اجماع) و با تاکید بر قرآن و سنت به پژوهش پرداخته میشود. این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی کتابخانه‌ای (یادداشت‌برداری به صورت تحلیلی توصیفی) بهره خواهد برد. همچنین مقاله حاضر می‌کوشد تا با استفاده از این روش به پشتوانه متون قرآنی و عنایت به بیانات سیدالشهدا، بسیج منابع و امکانات حضرت را تحلیل و ارزیابی نموده و سپس تحلیلی قرآنی از آن ارائه دهد.

مفهوم‌شناسی

۱- بسیج منابع و امکانات

صاحب نظران علم مدیریت همواره توجه خاصی به وظایف مدیریت داشته‌اند؛ زیرا این حوزه شامل بسیاری از کارکردهای اصلی مدیریت است و برای مدیران و علاقمندان به حوزه مدیریت جهت دهنده و روشن کننده مسیر است. در مورد وظایف مدیریت، نظرات مختلفی از سوی صاحب نظران علم مدیریت بیان شده است. اما آنچه مسلم است این است که اغلب آنان بر روی پنج وظیفه اصلی مدیر توافق نظر دارند. این پنج وظیفه مدیر که اصول پنجگانه مدیریت یا وظایف پنجگانه مدیریت هم نامیده می‌شود. (رضائیان، ۱۳۸۳: ۶). این وظایف عبارتند از:



برنامه ریزی^۱؛ سازماندهی^۲؛ بسیج منابع و امکانات^۳؛ رهبری و هدایت^۴؛ نظارت و کنترل^۵. لازم است ذکر شود که علاوه بر این تقسیم‌بندی، اندیشمندان مختلف، دسته‌بندی‌های دیگری نیز بیان کرده‌اند. در این مقاله، بسیج منابع و امکانات به عنوان یکی از پنج وظیفه اصلی مدیریت مورد کاوش قرار می‌گیرد؛ مفهومی که برای مدیران در جریان مدیریت، توجه ویژه به آن ضروری است.

۲- سیره مدیریت امام حسین

مدیریت و رهبری اغلب دو مفهوم مترادف تصور می‌شوند، حال آنکه بیشتر صاحب‌نظران این دو مفهوم را متمایز می‌دانند. رهبری در اصل نسبت به مدیریت مفهوم وسیع‌تری دارد. مدیریت نوع خاصی از رهبری محسوب می‌شود که در آن کسب هدف‌های سازمانی بر سایر هدف‌ها اولویت دارد. اختلاف اساسی میان این دو مفهوم از کلمه سازمان بر می‌خیزد. رهبری زمانی صورت می‌گیرد که فردی به هر دلیل می‌کوشد بر رفتار فرد یا گروهی اثر بگذارد. این امر می‌تواند برای نیل به اهداف خود فرد یا دیگران بوده و با اهداف سازمان نیز ناسازگار باشد. (هرسی و بلانچارد به نقل از رضائیان، ۱۳۷۹: ۳۷۶) به عبارت دیگر آنچه در حرکت امام حسین بسیار دیده می‌شود رهبری است. رهبری عبارت است از فرایند الهام بخشیدن، نفوذ و هدایت

^۱ Planning

^۲ Organizing

^۳ به جای «کارگزینی» (staffing) که اکثر نویسندگان آن را به کار می‌برند، از اصطلاح «بسیج منابع و امکانات» (mobilization of

resources) که جامعه‌ت به نظر می‌رسد استفاده شده است. (رضائیان، ۱۳۸۳، ۶)

^۴ Directing

^۵ control



دیگران برای مشارکت دیگران برای مشارکت دسته جمعی. رهبران برای تشویق پیروان به مشارکت، همه‌ی اختیار و قدرتی که دارا هستند را با ویژگی‌های شخصیتی، چشم اندازها و مهارت‌های اجتماعی تکمیل می‌کنند (کریتنر، ۱۳۸۷: ۳۹۲). در این مدیریت ویژه برنامه ریزی را باید مورد بررسی و مطالعه قرار داد.

با بررسی سخنان و رفتار امام حسین علیه السلام از مدینه تا کربلا و تحلیل آموزه‌های آن‌ها روشن می‌شود که نهضت امام حسین علیه السلام در عاشورا بر اساس دستورات اساسی قرآن استوار است. این مبانی حتی در ادبیات خود حضرت هم حضور دارد. گاهی امام حسین علیه السلام در متن حرکت خویش با یک آیه یا یک نماد قرآنی، یک نماد یا مفهوم عمیق را تبیین مینمایند. به عنوان نمونه تلاوت آیات هجرت موسی (القصص/ ۲۱-۲۲) در سوره قصص (نک: مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۳۶) یا اشاره به نماد قرآنی حضرت یحیی (نک: اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۹) از جمله این موارد است. باز شناخت این مبانی موجب می‌شود که این نهضت الگویی برای تمام ارادتمندان به قرآن قرار گیرد چرا که وظیفه قرآنی همه مسلمانان را در طول تاریخ مشخص می‌سازد یعنی هرگاه شرایطی مثل شرایط زمان امام حسین علیه السلام برای هر یک از مسلمانان پیدا شد، براساس آن مبانی قرآنی وظیفه دارند راه حسین علیه السلام را بپیمایند. به عبارت دیگر با استنباط مبانی قرآنی نهضت عاشورا، حرکت امام حسین علیه السلام تبدیل به حرکت قرآنی می‌شود و الگوی همه مسلمانان می‌گردد. مقصود از تحلیل قرآنی، مستندات قرآنی نهضت عاشورا است که زیربنای قیام امام حسین علیه السلام گردید. این مبانی شامل دستورات اجتماعی و سیاسی مستقیم الهی در قرآن به همه مسلمانان و نیز آموزه‌های قرآنی غیر مستقیم است که با استفاده از قاعده جری و تطبیق و بطون قرآن قابل استنباط از سخنان و سیره امام حسین علیه السلام است (نک: علوی، ۱۴۰۴). پس استنباط مبانی قرآنی از نهضت عاشورا با استفاده از قواعد و روش‌های تفسیری قرآن مثل قاعده جری و حجّیت ظواهر قرآن و روش تفسیر روایی و اشاری



(باطنی) در تفسیر است. اما منابع استنباط مبانی قرآنی نهضت عاشورا عبارتند از: الف) سخنان امام حسین علیه السلام، ب) نامه‌های امام حسین علیه السلام، ج) رفتار امام حسین علیه السلام (سیره). یعنی منابع از درون نهضت و مستند به رهبر قیام هستند. (رضائی اصفهانی، ۱۳۹۶: ۳۳) به عبارت دیگر در کنار آموزه های مستقیم قرآنی، باید سراغ از مبانی حرکت امام حسین گرفت که به صورت غیر مستقیم در مبانی قرآن قابل پیگیری و برداشت و بر اساس مطالعات میان رشته ای حوزه قرآن و امام حسین قابل استخراج است و ضرورت چنین مطالعات و پژوهشهایی را برای تحلیل قرآنی حرکت امام می طلبد.

جایگاه بسیج منابع و امکانات در دانش مدیریت

برای ورود به بحث بسیج منابع و امکانات شایسته است ابتدا عرصه های بسیج منابع و امکانات معرفی شود و در کنار آن به اهمیت توجه به مدیریت منابع انسانی پرداخته شود و نیز مراحل عمده فراگرد مدیریت منابع انسانی مورد توجه قرار گیرد. در انجام وظیفه «بسیج منابع و امکانات» یکی از مهمترین کارکردهای مدیر، تخصیص منابع و امکانات است. بسیج منابع و امکانات را می توان شامل موارد زیر دانست:

الف: مدیریت بازاریابی،

ب: تامین منابع مالی و سرمایه ای (مدیریت مالی)،

ج: ارزیابی، انتخاب و پرورش مدیران (تامین منابع مدیریت)،

د: تامین مواد و وسایل (لجستیک)،

ه: تامین و استفاده از منابع حقوقی و مقرراتی (سید جوادین، ۱۳۸۱: ۵۳۷).

هدف اصلی بسیج منابع و امکانات، حداکثرسازی کارایی سازمانی از طریق تخصیص به هنگام و موثر منابع مالی، انسانی، لجستیک و حقوقی-مقرراتی است.



جایگاه بسیج منابع در سیره مدیریتی امام حسین (ع)

فقر مدیریت در قرن اخیر از این بوده است که برای حل مسائل انسانی از الگوهای غیرانسانی (حیوانی و طبیعی) بهره گرفته است، منابع انسانی نیز از این وضعیت در رنج است. برای مثال تعمیم نتایج حاصل از آزمایش روی سگ، موش، کبوتر و اسب به انسان، مرتبه وجودی انسان را تنزل می دهد (قلی پور، ۱۳۹۰: ۵). در این میانه بررسی سیره مدیریتی امام حسین علیه السلام ضرورت می یابد. در سیره مدیریتی امام حسین علیه السلام توجه ویژه ای به بسیج منابع و امکانات است. سیره امام حسین علیه السلام به عنوان یک الگوی مدیریتی با محوریت کرامت انسانی و حفظ انصاف در بسیج منابع و نیرو می تواند راهبردهای عملیاتی معاصر را جهت دهی کند. با پیاده سازی اصول این سیره، سازمان ها می توانند از خطر استفاده از الگوهای غیرانسانی فراتر روند. پیش از همه آن باید نگاه ویژه ای که ایشان به نیروی انسانی و عنایت به کرامت آن دارند مورد بررسی قرار گیرد:

۱) توجه به کرامت نیروی انسانی

شاید بتوان مهم ترین خطاب روز عاشورای امام حسین علیه السلام به اصحاب شان را تعبیر «بنی الکرام» دانست: «... فَقَالَ لَهُمُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۴: ۲۹۷؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲۸۹) این جلوه کرامت و مبانی قرآنی آن در اندیشه عاشورایی حضرت جایگاه بلندی دارد. بنی الکرام به معنی «نسبت به فرزندان کرامت و اهل کرامت» است و به مخاطبان خطاب می شود تا آن ها را به عنوان گروهی با شأن و عظمت اخلاقی یادآوری کند. عبارت «صبراً بنی الکرام» ترکیبی است از دعوت به صبر با تأکید بر کرامت اخلاقی مخاطبان؛ یعنی از آنان می خواهد در مقابل فشارها و مخاطرات با شکیبایی و حفظ کرامت رفتار کنند. این سخن امام حسین علیه السلام در لحظه های بحرانی، یادی از ارزش های اخلاقی و روحیه مقاومتی است که باید در میدان دشواری ها حفظ گردد. خطاب به



اصحاب، هم‌آیند با گفتارهایی مثل صبر و جهاد، نشان می‌دهد که کرامت انسانی و پایداری فرهنگی اخلاقی مقدم بر نتیجه‌های فوری دنیوی است.

۲) جاذبه و دافعه حسینی (شخصیت کاریزما)

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در مدیریت منابع انسانی با رویکرد عاشورایی مطمح نظر است، «جذب»‌ها یا «خواندن»‌ها یا به تعبیری دعوت‌ها و فراخوان‌های امام حسین علیه‌السلام و همچنین «دفع»‌ها یا «راندن»‌ها یا به تعبیری رخصت دادن‌ها و مرخص کردن و عذرخواستن‌های حضرت در این مسیر است. هرچه فرایند خالص سازی در نیروهای یک سازمان قوی‌تر باشد اطمینان از عدم ریزش‌های ناگهانی نیز بیش‌تر خواهد شد. راز اطمینان امام از اصحاب دو چیز بود:

۱. آزمایش نیرو

۲. تصفیه نیرو

برای مواجهه و مقابله با مشکلات بیرونی، تصفیه درونی نیروها بسیار ضروری است. در این فضا هست که «خواندن»‌ها و «راندن»‌های امام حسین علیه‌السلام در جریان کربلا، بهتر فهم می‌شود و در هندسه بحث مدیریت منابع انسانی، جای‌گاه والایی می‌یابد. این که امام حسین علیه‌السلام در شب عاشورا به یک صورت سخن می‌گوید و در روز عاشورا به گونه دیگر، را در این منظومه باید فهمید. در شب عاشورا که بحث «راندن» است و در روز عاشورا که بحث «خواندن» است، برای تصفیه نیروها است.

امام حسین دائماً افرادی را که همراه کاروان بودند، آزمایش می‌کردند تا افرادی باقی بمانند که نسبت به اهداف قیام و نتیجه آن آگاه بوده و ایمان کامل دارند؛ این الگوی راندن و دفع را می‌توان برای نمونه در این موقعیت دید که در منزل «زباله»، امام اوضاع کوفه و بی‌وفایی کوفیان را برای همراهان خود تشریح کرده و فرمود: «شیعیان ما در کوفه دست از یاری ما برداشته‌اند، اکنون هر کس که می‌خواهد، بازگردد و...» (ابومخنف کوفی، ۱۴۱۷، ص ۱۶۶) که عده‌ای از اطراف امام پراکنده شدند. در شب عاشورا وقتی با صراحت فرمودند: «وقت شهادت



است و با استفاده از تاریکی شب به سوی شهر خویش حرکت کنید»، نتیجه اظهار وفاداری اصحاب امام در برابر پرشش حضرت زینب از امام که: «آیا یاران خود را آزموده‌ای؟» این شد که: «أَمَّا وَاللَّهِ! لَقَدْ نَهَرْتُهُمْ وَبَلَوْتُهُمْ وَلَيْسَ فِيهِمْ الْأَشْوَسُ الْأَفْعَسُ يَسْتَأْذِنُونَ بِالْمَنِيَّةِ دُونِي اسْتِئْذَانِ الطِّفْلِ بِلَبَنِ أُمِّهِ» (شریفی و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۶۰). برجسته‌ترین نظارت آن بر روی اصحاب و ارزیابی و پالایش آنها در طول مسیر است و جمله محوری ایشان به حضرت زینب (س) در این مورد که آنها را بارها آزموده‌ام. از سویی دیگر در روز عاشورا باب «جذب» و خواندن را باز میفرماید که: «هَلْ مِنْ ذَابٍ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ مِنْ مُوَحِّدٍ هَلْ مِنْ مُغِيثٍ هَلْ مِنْ مُعِينٍ» (ابن نما حلی، ۱۴۰۶: ۷۰) «هَلْ مِنْ ذَابٍ يَذُبُّ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ مِنْ مُوَحِّدٍ يَخَافُ اللَّهَ فِينَا هَلْ مِنْ مُغِيثٍ يَرْجُو اللَّهَ فِي إِعَاثَتِنَا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴۵، ۴۶).

مستندات قرآنی بسیج منابع در سیره مدیریت حسینی

در بیان مستندات قرآنی بسیج منابع و امکانات در مدیریت امام حسین، لازم است ابتدا جایگاه بسیج منابع انسانی در قرآن تبیین شود و به مهمترین رکن این مولفه که رویکرد توحیدی است پرداخته شود و سپس مبانی قرآنی آن در مدیریت حسینی ارائه گردد:

۱) جایگاه بسیج منابع و امکانات در قرآن

در ادبیات قرآن بحث بسیج منابع انسانی یکی از مهم‌ترین و در عین حال دشوارترین کاری است که باید انجام شود. سخت‌ترین مأموریتی که خدا به پیامبرش دستور می‌دهد و انجامش برای شان بسیار سخت می‌نماید همین بسیج منابع انسانی است تا جایی که آن آیه را آیه «پیرکننده» نامیدند. توضیح مطلب آن که رنج‌ها و غصه‌های بسیاری به انسان می‌رسد اما آیه ۱۱۲ سوره مبارکه هود از غمهایی سخن می‌گوید که انسان را پیر می‌کند: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (هود/۱۱۲) پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن؛ و همچنین کسانی که با تو به سوی خدا آمده‌اند (باید استقامت کنند)! و طغیان نکنید، که خداوند آن‌چه را انجام می‌دهید می‌بیند.



شبهه این آیه در سوره مبارکه شوری هم آمده است: «فَلْيَذِكُرْ قَادُحُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُْمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمُ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (شوری/ ۱۵) پس به همین خاطر تو نیز آنان را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و آن چنان که مأمور شده‌ای استقامت نما، و از هوی و هوس های آنان پیروی مکن، و بگو: «به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آورده‌ام و مأمورم در میان شما عدالت کنم؛ خداوند پروردگار ما و شماست؛ نتیجه اعمال ما از آن ما است و نتیجه اعمال شما از آن شما، خصومت شخصی در میان ما نیست؛ و خداوند ما و شما را در یک جا جمع می کند، و بازگشت (همه) به سوی اوست.»

در روایات ذیل این آیه آمده است که سوره هود و همانند آن مرا پیر کرد: قَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص «أَسْرَعَ إِلَيْكَ الشَّيْبُ قَالَ شَيْبَتْنِي هُودٌ وَ الْوَأَقَعَةُ وَ الْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا وَ عَمَّ يَسْأَلُونَ». (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۳۳؛ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶: ۱۷۲). پرسید آن که تو را از آن سوره پیر کرده است کدام است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» امر خدای تعالی که فرمود: همان گونه که امر شده ای پایدار باش و استقامت بورز، که در احادیث یعنی و دیگرانی که پیروان تو هستند نیز بایستی استقامت بورزند، تتمه حدیث است که پیامبر را نگران و اندوهگین می نموده و گر نه ایشان، خود مظهر استقامت و پایداری بوده اند.

تعبیر «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» در دو جای قرآن آمده: یکی در سوره شوری و دیگری در سوره هود. حضرت رسول برای سوره هود تعبیر پیر شدن را بیان می فرماید. تفاوت سوره «هود» و سوره «شوری» این است که آن جا «وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» است، این جا «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ» است. می فرماید: شیبَتْنِي، نقل شده است از ایشان: شَيْبَتْنِي سُورَةُ هُودٍ لِمَكَانِ هَذِهِ الْآيَةِ؛ برای این که ایشان نگران بودند از این که کسانی که هم راهشان هستند نتوانند استقامت کنند و الا خودشان که اهل استقامت بوده اند، وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ هم جزو مأموریت ایشان است؛ یعنی، همان طوری که پیغمبر به استقامت و مقاومت مأمور است، هر کس هم هم راه اوست و به او گرویده است، همین مأموریت را دارد و تا آخر هم این هم این مأموریت هست. این سختی این آیه است که خداوند استقامت امت را نیز از حضرت درخواست نموده و حضرت ترس آن را



داشتند که مأموریت انجام نگیرد. با این که این آیه شریفه در سوره «شوری» نیز وارد است، ولی بدون و من تاب معک، جهت این که حضرت سوره «هود» را اختصاص به ذکر دادند برای آن است که خدای تعالی استقامت امت را نیز از آن بزرگوار خواسته است و حضرت بیم آن داشت که مأموریت انجام نگیرد، و الا خود آن بزرگوار استقامت داشت. (موسوی خمینی، ۱۳۷۱: ۱۷۲). به تعبیر بلند حضرت امام خمینی فتح یک کشوری نسبتاً آسان است، اما حفظ آن مشکل است (همان، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۴۳۵). به عبارت دیگر چه بسا افرادی که در ابتدا در یک امری وارد شوند، اما وقتی مشکلاتی پیش آید نتوانند استقامت کنند (همان، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۴۶۲-۴۶۳). کوتاه سخن این که این آیه استقامت ملت را هم به عهده رهبر جامعه گذاشته است این آیه را سخت نموده، چرا که تا استقامت جمعی پای هدفی نباشد نمی توان به پیروزی نهایی رسید.

آن چیزی که علت پیری پیامبر بیان شده است فراز دوم آیه است: «وَمَنْ تَابَ مَعَكَ»، آن چنان که مأموری استقامت کن! فراز اول آیه یعنی «فَأَسْتَقِمَّ گما اُمِرْتُ»، پیغمبر را پیر نمی کند، چرا که اصلاً وظیفه پیامبر استقامت است. پس عامل پیری پیامبر چیست؟ «وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» یعنی هم خود استقامت کن و هم آن کسانی که با تو هستند. فراز دوم آیه، کار پیامبر را سخت می کند. خود در راه مستقیم استقامت می کنم ولی بقیه... آن را چه باید کرد؟ این آغاز سختی های راه پیامبری است تا آن جا که «شبیبتی سوره هود». بزرگ ترین غمی که پیامبر را پیر می کند، غصه های اداره جامعه است: غم های مدیریتی و غصه های تشکیلاتی! این مهم آن قدر نزد خدا ارزش دارد که می ارزد یکی به نازنینی پیامبر هم در این معادله پیر شود. آن قدر می ارزد که در امتدادش باید علی خون دل بخورد، فاطمه... حسن... و حسین علیهم السلام هم در قتل گاه... مهم ترین غم ها و چالش های خدا در قرآن، غصه های اجتماعی است. غصه های مدیریت کلان جامعه که در رأس مسئولیتش به عهده پیامبری است که ستون این خیمه گاه است. خدا از او این مسئولیت بزرگ را می خواهد. در کربلا نیز باید امتداد این جریان دیده می شود. باید با فهمی مدیریتی و تشکیلاتی داستان کربلا را مرور کرد. آن جا که امام حسین علیه السلام مسئول استقامت خویش و هم راهانش می شود: «وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» و این جاست که سرآغاز بسیاری از



مصیبت‌ها و روضه‌های مدیریتی و تشکیلاتی است؛ زیرا افراد بسیاری اجازه نمی‌دهند امام این کار را انجام بدهد و آغاز این تقابل نتیجه‌ای جز ظهر خونین عاشورا را ندارد. مردم کوفه بعد از مرگ معاویه همگی باهم متفق شدند که امام حسین علیه‌السلام را به حکومت برسانند و نامه‌های زیادی را به او نوشتند تا او به کوفه بیاید و در آنجا با دست گرفتن قدرت، خود را برای مبارزه با حکومت یزید و سرنگونی آن آماده کند. ولی این مردم با روی کار آمدن ابن زیاد در کوفه از همه آرمان‌های خود گذشتند و نماینده امام، مسلم بن عقیل را تنها گذاشتند. و هم‌چنین در کربلا...

۲) رویکرد توحیدمحور قرآن به منابع و امکانات

پیش از هر چیز توجهی که قرآن در بسیج منابع و امکانات می‌دهد یک توجه توحیدی است که همه عناصر این عالم در قبضه اراده خدا است و به تعبیر قرآن «لشکریان آسمان‌ها و زمین از آن خداست»: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْأَدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (فتح/۴) او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمان‌شان بیفزایند؛ لشکریان آسمان‌ها و زمین از آن خداست، و خداوند دانا و حکیم است. (همچنین نک: فتح/۷). بر اساس توحید افعالی، سراسر جهان آفرینش مأموران الهی می‌باشند و چیزی یافت نمی‌شود که کار او در عین آن که به او استناد دارد، به خداوند متعالی مستند نباشد؛ «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (فتح/۷) و ارقام سپاهیان حق را جز ذات حق بالأصالة کسی آگاه نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف، ج ۳: ۶۴۵)؛ «وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ» (مدثر/۳۱) سراسر جهان امکان مأموران الهی‌اند و هرگز سپاه خاضع و ستاد خاشع خدای سبحان بدون اذن آن حضرت کاری انجام نمی‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ب، ج ۲: ۲۱۸). در این منظومه است که در آینده هر حرکتی عاقبت از آن انسان‌هایی هستند که مجرای این سنت الهی باشند و در این مسیر قرار گرفته باشند. برای همین عاقبت و سرانجام برای انسان‌های متقی است: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف/۱۲۸) موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جوید، و استقامت پیشه



کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می‌کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است». همچنین رک: «إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ» (هود/۴۹)، «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقَوٰی» (طه/۱۳۲)، «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص/۸۳).

در آیات دیگر هم باز توجه به این قانون مهم هستی است، که همه نیروهای خیر به پشتوانه انسان‌های مؤمن خواهد بود و خدا از آن‌ها حمایت می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ» (حج/۳۸) خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند؛ خداوند هیچ خیانت‌کار ناسپاسی را دوست ندارد.

البته در این مسیر برای تحقق اهداف باید اهل تواصی هم بود: تواصی به حق و تواصی به صبر: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر/۳) مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، و یک‌دیگر را به حق سفارش کرده و یک‌دیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند، و این علت نگاه کرامت مدار امام در «صَبْرًا بَيْنِي الْكِرَامِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴؛ ۲۹۷؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۲۸۹) اصحاب‌شان در واپسین لحظات است که ایشان را دعوت به صبر می‌نماید. البته در کنار بحث صبر، خود خطاب امام حسین علیه‌السلام به اصحاب هم قابل توجه و تأمل است که آن هم ریشه در معارف بلند قرآنی دارد. صبر به عنوان صفت راهبردی در مدیریت بحران و فشارهای زمانی، به معنای پایداری، تصمیم‌گیری با آرامش در بحران و فاصله‌گذاری از تصمیم‌های لحظه‌ای هیجانی است. این صبر، به تقویت تاب‌آوری تیم و جلوگیری از تصمیم‌های عجولانه کمک می‌کند. صبر به عنوان ظرفیت عملی برای استمرار کارها و حفظ وحدت تیم در زمان بحران مصرف می‌شود. این آموزه در کنار کرامت مدار بودن، موجب رفتار مبتنی بر احترام، حفظ شأن هر فرد، و اجتناب از تقابل‌های خشونت‌آمیز یا تحقیرآمیز می‌شود که اعتماد و تعهد در تیم را تقویت می‌نماید. بیانیه «تواصی به حق و تواصی به صبر» می‌تواند به عنوان دو بال هدایت مدیران کارآمد در سازمان‌های انسانی و غیررسمی عمل کند. این دو مفهوم به شکل هم‌افزا، هم به ابعاد اخلاقی و هم به جنبه‌های کارایی و بحران مدیریتی جهت می‌دهد. در نهایت، رویکردی



که کرامت انسانی را محور قرار دهد و هم‌زمان پایبند به اصول حقیقت‌طلبی و صبر است، می‌تواند بنیان یک سازمان پایدار، اخلاق‌مدار و اثرگذار باشد.

۳) مبانی قرآنی کرامت منابع در سیره مدیریت حسینی

ریشه تعبیر «صَبْرًا بَنَى الْكِرَامَ» را در این خطاب قرآنی می‌توان دید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَخَلَقْنَاهُمْ فِي الْاَبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/ ۷۰) ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم؛ و آن‌ها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.

آیه در سیاق ذکر منت نهادن و بیان نعمت‌های الهی است، البته متنی آمیخته با عتاب، گویی خدا پس از آن‌که فراوانی نعمت‌ها و کرم و فضل بی‌پایان خویش را نسبت به انسان برشمرد، او را برای به‌دست آوردن این نعمت‌ها و رزق‌ها، و برای اداره صحیح زندگی در خشکی، سوار بر کشتی‌اش قرار داد. ولی انسان پس از آن‌که پروردگارش را فراموش کرد، و از او رو گرداند و هیچ درخواستی از او نکرد، پس از نجات از دریای سختی، باز هم همان رفتار نخستین را تکرار نمود؛ در حالی‌که در میان نعمت‌های بی‌شمار، غرق و غوطه‌ور بود. در این آیه، خلاصه‌ای از کرامت‌ها و فضل‌های بی‌شمار الهی ذکر شده است، تا انسان بفهمد که پروردگارش نسبت به وی محبت و توجه بیشتری دارد؛ اما متأسفانه، انسان این عنایت عظیم را نیز همانند سایر نعمات خداوند، نادیده می‌گیرد و آن را با کفران می‌پوشاند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۳: ۱۵۶). درباره اینکه خداوند چه چیزی را باعث گرامی داشتن انسان کرده است که در آیه به طور مختصر بیان شده، میان مفسران گفتگو است؛ بعضی آن را به خاطر اعطای عقل، نطق و استعدادهای مختلف و آزادی اراده انسان می‌دانند، بعضی دیگر اندام موزون و قامت استوار، و بعضی به موهبت انگشتان که انسان با کمک آن کارهای ظریف و دقیقی انجام می‌دهد، اشاره می‌کنند. دیگران معتقدند این است که انسان تقریباً تنها موجودی است که می‌تواند غذای خود را با دست بخورد، یا به خاطر سلطه او بر تمام موجودات روی زمین، یا به



دلیل شناخت خدا و قدرت بر اطاعت از فرمان او. برخی نیز گمان دارند آثار گرامی داشت خداوند، عطای عقل و خرد است که به انسان داده شده تا اندیشه کند، یا قدرت تشخیص خوب از بد، یا صورت زیبا و بدن موزون، و یا تدبیر امور معیشتی و معادی او. خداوند انسان را بر هر چیزی روی زمین مسلط ساخته و همه موجودات زنده را مسخر او کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲: ۱۹۸). در قرآن کریم، ده‌ها بار انسان نکوهش شده است؛ این مذمت‌ها عمدتاً ناشی از گرایش انسان به فطرت خاکی خودش است. آیات مربوط به کرامت بنی آدم بیشتر تأکید دارند بر گرایش انسان به فطرت الهی و سرشت فطری‌اش (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۹: ۱۶۸).

در نظام اسلامی مدیر با توجه به والایی‌ها و منزلت‌های انسان مدیریت می‌کند و هرگاه اصول و شیوه‌های مدیریت به شخصیت و حیثیت انسانی انسان لطمه‌ای وارد نماید آن مدیر و مدیریت، اسلامی نیست زیرا قانون حفظ منزلت انسان، حاکم بر روش‌ها و اصول مدیریت است. در طول تاریخ بشر، هیچ مکتبی را نمی‌توان یافت که مانند مکتب انبیا برای انسان و انسانیت ارزش قائل شده باشند. ارزش و مقام انسان را باید از بیان گویای قرآن شنید که چه ارزش‌ها و منزلت‌هایی را برای این موجود قائل است و پیامبران الهی مفسر و معلم مدرسه انسانیت هستند که رسالتی به غیر از فعلیت رساندن استعدادها و رشد ارزش‌ها انسانی نداشته‌اند (عباس نژاد و دیگران، ۳۰۴).

۴) تبیین و تحلیل قرآنی بسیج منابع در سیره حسینی

فارغ از بسیج منابع و امکانات که یکی از وظایف مهم مدیر است، نکته‌ای که باید به آن توجه نمود، اساس حرکت و پیش‌برد اهداف با نگاه «قیام لله» است که در نگاه توحیدی قرآن تحت عنوان «یک موعظه» یاد شده است: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى» (سبأ/ ۴۶) بگو: «شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن این‌که: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید...».



خدا در این آیه ابتدا به یک ویژگی و کاری خاص اشاره می کند، و سپس واژه «واحد» را همراه با عبارت بعدی تو ضیح می دهد و می فرماید: «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْيَةٍ» (سبأ/ ۴۶) این عبارت به معنای آن است که باید برای خدا بر خیزید و در راه رضای او کوشش کنید. «مثنی و فردا»، یعنی دو به دو و یکی یکی (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۶: ۸۳). و بنا بر این، جمله عطف بیان برای «واحد» است. مقصود از «قیام» یا به پا خاستن و متفرق شدن از مجلس پیامبر است و یا مقصود آمادگی و اقدام با همت و کوشش برای انجام کاری است (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۳: ۶۸۵)، نه ایستادن روی دو پا (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۵۹۰). مانند تعبیر آیه «وَأَنْ تَقُومُوا لِلَّيْتَانِي بِالْقِسْطِ» (النساء: ۱۲۷). معنای آیه شریفه این است که من شما را به یک امری سفارش می کنم که اگر آن را انجام دهید به حق می رسید. و آن قیام دو نفر دو نفر یا یکی یکی با نیت خالص برای خداوند است. آن گاه در امر محمد صلی الله علیه و آله و آن چه آورده و آن چه می گوید، در مسیر انصاف و عدالت، بدون عناد و دشمنی، فکر و تدبیر کنید (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ۳۵۹).

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه اینگونه بیان داشته است:
 «قیام لله را باید مهم ترین درس قرآنی منابع انسانی با رویکرد عاشورا دانست. قیام للهی که با هر میزان فراستعداد باید اتفاق بیفتد. بهترین نمونه این موعظه قرآنی را در کربلا می توان دید که در اوج تنهایی و غربت و کمبود منابع انسانی، به این موعظه قرآنی توجه ویژه ای دارد. به تعبیر دیگر در این جا تکلیف مداری که همان «قیام لله» است، حاکم بر بسیج منابع است. بهترین نمونه امروزی این حرکت قرآنی عاشورایی، حرکت حضرت امام خمینی بود که به تعبیر حضرت آیت الله خامنه ای زیربنای مکتب مبارزه امام خمینی، این قیام لله بود: «اگر بخواهیم زیربنای مکتب مبارزه امام را و انقلاب امام را در یک جمله عرض بکنیم، باید بگوییم زیربنای همه فعالیت های ایشان «قیام لله» بود؛ هدف، قیام لله [بود]؛ همان که در یادداشت معروف شان در دوران جوانی در دفتر مرحوم وزیر یزدی نوشته اند: «قُلْ إِنَّمَا



أَعْظَمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ» (سبأ/۴۶)؛ قیام لله، که این قیام لله ریشه‌ی قرآنی بسیار مستحکمی دارد. قیام لله در همین آیه سوره سبأ، یا «قوموا لِلَّهِ فَاتِنين» در سوره مبارکه بقره، یا در آیه دیگری در سوره مدثر در اول بعثت: «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ» «قیام لله» یعنی این. حالا این «قیام لله» در هر دوره‌ای ممکن است به نحوی باشد. (خامنه‌ای، ۱۴/۰۳/۱۴۰۱). کوتاه سخن در این مکتب که برخاسته از قرآن است، قیام لله، راهی کارساز در همه شرایط زندگی بشر است: «پیغمبر، انسان‌ها را به حرکت و قیام دعوت کرد. خدای متعال در اولین آیات نازل بر پیغمبر فرمود: «قم فأنذر»؛ قیام کردن، حرکت کردن، از حالت رکون و جمود خارج شدن و خود را مسئول دانستن؛ قیام لله در همه شرایط زندگی بشر کارساز است و بدون قیام و حرکت نمی‌شود به هیچ‌یک از اهداف عالی رسید.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۷/۰۲).

تحلیل قرآنی بسیج منابع و امکانات در کربلا		
آیه	تحلیل قرآنی	مستند عاشورایی
«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»	توجه به کرامت نیروی انسانی	«صَبْرًا» بَنِي الْكَرَامِ
«إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ»	توجه به عنصر صبر و تاب آوری نیروی انسانی برای وصول به هدف	



«قُلْ إِنَّمَا أَعْظِيكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ مِثْنٍ وَفَرَادَى»	توجه به قیام برای خدا به عنوان اصل توحیدی در بسیج منابع	غربت امام در جریان عاشورا
---	--	---



نتیجه گیری

در سیره مدیریتی امام حسین علیه السلام توجه ویژه‌ای به بسیج منابع و امکانات است؛ در کنار آن و پیش از آن نگاه ویژه ایشان به نیروی انسانی و عنایت به کرامت آن موضوع بسیار مهمی است که باید به آن توجه نمود. شاید بتوان مهم‌ترین خطاب روز عاشورای امام حسین علیه السلام به اصحاب‌شان را تعبیر «بنی‌الکرام» دانست که توجه به کرامت نیروی انسانی را گوش زد می‌نماید. یکی از مهم‌ترین مباحثی که در مدیریت منابع انسانی با رویکرد عاشورایی مطمح نظر است، «جذب»ها یا «خواندن»ها یا به تعبیری دعوت‌ها و فراخوان‌های امام حسین علیه السلام و همچنین «دفع»ها یا «راندن»ها یا به تعبیری رخصت دادن‌ها و مرخص کردن و عذرخواستن‌های حضرت در این مسیر است. جذب‌ها و دفع‌ها یا همان خواندن‌ها و راندن‌های امام حسین علیه السلام؛ دو روی مدیریت حسینی است.

در ادبیات قرآن بحث بسیج منابع انسانی یکی از مهم‌ترین و در عین حال دشوارترین کاری است که باید انجام شود. سخت‌ترین مأموریتی که خدا به پیامبرش دستور می‌دهد و انجامش برای‌شان بسیار سخت می‌نماید همین بسیج منابع انسانی است تا جایی که سوره هود را سوره «پیرکننده» نامیدند به خاطر آیه ۱۱۲ آن. این آیه، جایگاه بسیج منابع انسانی در قرآن را به خوبی نشان می‌دهد.

آن چیزی که علت پیری پیامبر بیان شده است فراز دوم آیه «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» است: «وَمَنْ تَابَ مَعَكَ». فراز اول آیه پیغمبر را پیر نمی‌کند، چرا که اصلاً وظیفه پیامبر استقامت است. «وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» یعنی هم خود استقامت کن و هم آن کسانی که با تو هستند. بزرگ‌ترین غمی که پیامبر را پیر می‌کند، غصه‌های اداره جامعه است: غم‌های مدیریتی و غصه‌های تشکیلاتی. در کربلا نیز این جریان امتداد دارد. باید با فهمی مدیریتی و تشکیلاتی داستان کربلا را مرور کرد. آن‌جا که امام حسین علیه السلام مسئول استقامت خویش و کسانی که با او هستند می‌شود «وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» و این‌جا سرآغاز بسیاری از مصیبت‌ها و روضه‌های



مدیریتی و تشکیلاتی است؛ زیرا افراد بسیاری اجازه نمی دهند امام این کار را انجام بدهد و آغاز این تقابل نتیجه ای جز ظهر خونین عاشورا را ندارد.

پیش از هر چیز، توجهی که قرآن در بسیج منابع و امکانات می دهد یک توجه توحیدی است که همه عناصر این عالم در قبضه اراده خدا است و به تعبیر قرآن «لشکریان آسمان ها و زمین از آن خداست». این تذکر و هشدار توحیدی قرآن به مسئله بسیج منابع است. در این منظومه باید دانست که در آینده هر حرکتی، عاقبت از آن انسان هایی هستند که مجرای این سنت الهی باشند و در این مسیر قرار گرفته باشند. برای همین عاقبت و سرانجام برای انسان های متقی است. قرآن در آیات مختلفی توجه به این قانون مهم هستی داده است، که همه نیروهای خیر به پشتوانه انسان های مؤمن خواهد بود و خدا از آن ها حمایت می کند. البته در این مسیر برای تحقق اهداف باید اهل تواصی هم بود: تواصی به حق و تواصی به صبر؛ و این علت نگاه کرامت مدار امام در «صَبْرًا بَنِي الْكِرَام» اصحاب شان در واپسین لحظات است که ایشان را دعوت به صبر می نماید. البته در کنار بحث صبر، خود خطاب امام حسین علیه السلام به اصحاب هم قابل توجه و تأمل است که آن هم ریشه در معارف بلند قرآنی دارد و می توان آن را از اساسی ترین مبانی قرآنی کرامت منابع انسانی در مدیریت حسینی دانست.

فارغ از بسیج منابع و امکانات که یکی از وظایف مهم مدیر است، نکته ای که باید به آن توجه نمود، اساس حرکت و پیش برد اهداف با نگاه «قیام لله» است که در نگاه توحیدی قرآن تحت عنوان «یک موعظه» یاد شده است.



منابع

*قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق)، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
۳. ابن نما حلی، جعفر بن محمد، مثير الأحزان، محقق و مصحح: مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۶ ق.
۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مصحح: محمد مهدی ناصح و محمد جعفر یاحقی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۴۰۸ ه. ق.
۵. ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعة الطف، محقق و مصحح: یوسفی غروی، محمد هادی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الاثمة، تبریز، مکتبه بنی هاشم، ۱۳۸۱ ق.
۷. آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول، محقق مجتبی محمودی، قم، مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۳۱ ق.
۸. بغوی، حسین بن مسعود، تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل، محقق: عبدالرزاق مهدی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ه. ق.
۹. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۸۹.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، سرچشمه اندیشه، تحقیق عباس رحیمیان محقق، قم، اسراء، ۱۳۸۶ الف.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، سروش هدایت، قم، اسراء، ۱۳۸۶ ب.



۱۲. خامنه‌ای، سید علی، بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم سی‌وسومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۰۳/۱۴۰۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۵۰۳۸۱>
۱۳. خامنه‌ای، سید علی، بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۰۷/۰۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۱۹۶>
۱۴. خوئی، سید ابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، بی تا.
۱۵. رضائیان، علی، اصول مدیریت، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۳.
۱۶. رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۰.
۱۷. رضائیان، علی، مبانی مدیریت رفتار سازمانی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۹.
۱۸. رضایی اصفهانی، قرآن و امام حسین علیه السلام، امام حسین علیه السلام و قرآن، قم، دارالمبلغین، ۱۳۹۶.
۱۹. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، مصحح: مصطفی حسین احمد، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ه. ق.
۲۰. سعادت، اسفندیار، مدیریت منابع انسانی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانش‌گاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۰.
۲۱. سیدجوادین، سید رضا، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، نگاه دانش، ۱۳۸۱.
۲۲. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ه. ق.



۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تحقیق و تصحیح ابوالقاسم گرجی، قم، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تحقیق احمد الحسینی، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۲.
۲۵. عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۲۶. عباس پور، عباس، مدیریت منابع انسانی پیشرفته (رویکردها، فرایندها و کارکردها)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانش گاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۲.
۲۷. عباس نژاد، محسن، دعایی، حبیب الله، مؤذن، محمد هادی، فغفور مغربی، حمید، قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، تهیه شده در مرکز اطلاع رسانی و کتابخانه تخصصی قرآن و علوم روز (وابسته به بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانش گاه)، مشهد، بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۲۸. علوی، سید علی اصغر، تحلیل مدیریت امام حسین علیه السلام از منظر قرآن، قم، سدید علوم انسانی، ۱۴۰۴.
۲۹. قلی پور، آرین، مدیریت منابع انسانی (مفاهیم، تئوری ها و کاربردها)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانش گاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۰.
۳۰. کریتتر، رابرت، مترجمان: داور ونوس، بهمن جمشیدی، مهرداد پرچ، اصول مدیریت (عملیات برتر)، تهران، مهربان نشر، ۱۳۸۷.
۳۱. گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم، شریفی، محمود و دیگران، فرهنگ جامع سخنان امام حسین ترجمه همراه متن عربی موسوعه کلمات الامام الحسین، ترجمه مویدی، علی. قم، نشر معروف، ۱۳۸۳.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.



۳۳. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، به تحقیق و تصحیح:
مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ه.ق.
۳۴. موسوی خمینی، سید روح الله، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار
امام خمینی، ۱۳۷۱.
۳۵. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،
۱۳۷۸.



References

*The Holy Qur'an

۱. Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali, *Al-Amali (al-Saduq)*, Tehran: Kitabchi, ۱۳۷۶.
۲. Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali, *Ma'ani al-Akhbar*, edited and corrected by Ali Akbar Ghaffari, Qom: Office of Islamic Publications Affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom, ۱۴۰۳ AH.
۳. Ibn Nama al-Hilli, Ja'far ibn Muhammad, *Muthir al-Ahzan*, edited and corrected by: Madraseh Imam Mahdi (peace be upon him), Qom: Madraseh Imam Mahdi, ۱۴۰۶ AH.
۴. Abu al-Futuh Razi, Husayn ibn Ali, *Rawd al-Jinan wa Ruh al-Jinan fi Tafsir al-Quran*, corrected by: Muhammad Mahdi Nasih and Muhammad Ja'far Yaqubi, Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation, ۱۴۰۸ AH.
۵. Abu Mikhnaf al-Kufi, Lut ibn Yahya, *Waqi'at al-Taff*, edited and corrected by: Yusufi Gharawi, Muhammad Hadi, Qom: Society of Teachers, ۱۴۱۷ AH.
۶. Arbli, Ali ibn Isa, *Kashf al-Ghummah fi Ma'rifat al-A'immah*, Tabriz: Maktabat Bani Hashim, ۱۳۸۱ AH.
۷. Akhund Khurasani, Muhammad Kazim, *Kifayat al-Usul*, edited by: Mujtaba Mahmudi, Qom: Majma' al-Fikr al-Islami, ۱۴۳۱ AH.
۸. Baghawi, Husayn ibn Mas'ud, *Tafsir al-Baghawi al-Musamma Ma'alim al-Tanzil*, edited by: Abd al-Razzaq Mahdi, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, ۱۴۲۰ AH.
۹. Javadi Amoli, Abdollah, *Tasnim*, Qom: Isra', ۱۳۸۹.



۱۰. Javadi Amoli, Abdollah, *Sarcheshmeh Andisheh*, researched by Abbas Rahimian, Qom: Isra', ۱۳۸۶. A
۱۱. Javadi Amoli, Abdollah, *Soroush-e Hidayat*, Qom: Isra', ۱۳۸۶. B
۱۲. Khamenei, Seyyed Ali, "Statements of the Supreme Leader of the Revolution at the Thirty-Third Anniversary of the Demise of Imam Khomeini (may God have mercy on him) ۱۴۰۱/۰۳/۱۴," <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۵۰۳۸۱>
۱۳. Khamenei, Seyyed Ali, "Statements of the Supreme Leader of the Revolution in Meeting with System Officials ۱۳۸۲/۰۷/۰۲," <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۱۹۶>
۱۴. Khui, Seyyed Abu al-Qasim, *Al-Tanqih fi Sharh al-Uruh al-Wuthqa*, Qom: Muassasat Ihya' Athar al-Imam al-Khui, n.d.
۱۵. Rezaian, Ali, *Principles of Management*, Tehran: Organization for Research and Compilation of University Humanities Books (SAMT), ۱۳۸۳.
۱۶. Rezaian, Ali, *Fundamentals of Organization and Management*, Tehran: Organization for Research and Compilation of University Humanities Books (SAMT), ۱۳۸۰.
۱۷. Rezaian, Ali, *Fundamentals of Organizational Behavior Management*, Tehran: Organization for Research and Compilation of University Humanities Books (SAMT), ۱۳۷۹.
۱۸. Rezaei Isfahani, *Quran and Imam Hussein (peace be upon him), Imam Hussein (peace be upon him) and the Quran*, Qom: Dar al-Muballighin, ۱۳۹۶.
۱۹. Zamakhshari, Mahmud ibn Umar, *Al-Kashshaf an Haqa'iq Ghawamidh al-Tanzil wa Uyoun al-Aqa'il fi Wujuh al-Ta'wil*, corrected by: Mustafa Husayn Ahmad, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, ۱۴۰۷ AH.



۲۰. Sa'adat, Esfandiar, *Human Resource Management*, Tehran: Organization for Research and Compilation of University Humanities Books (SAMT), ۱۳۸۰.
۲۱. Seyyed Javadin, Seyyed Reza, *Fundamentals of Organization and Management*, Tehran: Negah Danesh, ۱۳۸۱.
۲۲. Tabataba'i, Seyyed Muhammad Husayn, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Beirut: Muassasat al-Alami lil-Matbu'at, ۱۳۹۰ AH.
۲۳. Tabarsi, Fadl ibn Hasan, *Tafsir Jawami' al-Jami'*, edited and corrected by: Abu al-Qasim Gurji, Qom: Qom Seminary, Management Center, ۱۴۱۲ AH.
۲۴. Tarayhi, Fakhr al-Din, *Majma' al-Bahrayn*, edited by: Ahmad al-Husayni, Tehran: Mortazavi, ۱۳۶۲.
۲۵. Amili, Muhammad ibn Hasan, *Wasa'il al-Shi'ah*, Qom: Muassasat Al al-Bayt (peace be upon them), ۱۴۰۹ AH.
۲۶. Abbaspour, Abbas, *Advanced Human Resource Management (Approaches, Processes, and Functions)*, Organization for Research and Compilation of University Humanities Books (SAMT), Center for Research and Development of Humanities, ۱۳۸۲.
۲۷. Abbasnzhad, Mohsen, Da'i, Habibullah, Mu'dhan, Muhammad Hadi, Faghfour Maghribi, Hamid, *Quran, Management, and Political Sciences*, prepared at the Center for Information and Specialized Library of Quran and Contemporary Sciences (affiliated with the Quranic Research Foundation of the Seminary and University), Mashhad: Quranic Research Foundation of the Seminary and University, ۱۳۹۰.
۲۸. Alavi, Seyyed Ali Asghar, *Analysis of the Management of Imam Hussein (peace be upon him) from the Perspective of the Quran*, Qom: Sadid Ulum al-Insaniyyah, ۱۴۰۴.



۲۹. Qolipour, Aryan, *Human Resource Management (Concepts, Theories, and Applications)*, Organization for Research and Compilation of University Humanities Books (SAMT), Center for Research and Development of Humanities, ۱۳۹۰.
۳۰. Kreitner, Robert, translated by: Davar Venus, Bahman Jamshidi, Mehrdad Parch, *Principles of Management (Superior Operations)*, Tehran: Mehraban Nashr, ۱۳۸۷.
۳۱. Hadith Group of Baqir al-Ulum Research Institute, Sharifi, Mahmoud and others, *Comprehensive Dictionary of the Sayings of Imam Hussein with Arabic Text Translation, Musu'ah Kalimat al-Imam al-Husayn*, translated by: Muidi, Ali, Qom: Nashr Ma'ruf, ۱۳۸۳.
۳۲. Majlisi, Muhammad Baqir, *Bihar al-Anwar*, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, ۱۴۰۳ AH.
۳۳. Mufid, Muhammad ibn Muhammad, *Al-Irshad fi Ma'rifat Hujaj Allah 'ala al-'Ibad*, edited and corrected by: Muassasat Al al-Bayt (peace be upon them), Qom: Congress of Shaykh Mufid, ۱۴۱۳ AH.
۳۴. Musawi Khomeini, Seyyed Ruhollah, *Sharh Chihil Hadith*, Tehran: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini, ۱۳۷۱.
۳۵. Musawi Khomeini, Seyyed Ruhollah, *Sahifeh-ye Imam*, Tehran: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini, ۱۳۷۸.